

نقش زنان در بازار نیروی کار استان یزد در سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۱

نویسنده: مجید دهقانی زاده*

چکیده

امروزه بیکاری به یکی از مسائل و مشکلات عمده در سطح کشور و استان یزد تبدیل شده است. وجود بیکاری بالا سبب شده تا نیروی فعال جامعه که می‌توانست در فعالیت‌های مختلف به کار گرفته شود و باعث شکوفایی و رونق جامعه گردد، به میزان قابل توجهی هدر رفته و به تبع آن، فقر، فساد، توزیع ناعادلانه درآمد و پیامدهای منفی دیگر دامنگیر جامعه شود. همچنین به نظر می‌رسد بی‌نباتی و عدم تعادل در بازار کار یکی از موانع عمده توسعه استان باشد. از این رو، بهبود وضعیت اشتغال و کاهش بیکاری می‌تواند بسیاری از پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را کاهش دهد و زمینه‌های رشد و توسعه همه‌جانبه را فراهم آورد. اما لازمه برنامه‌ریزی بهینه بازار کار و نیروی انسانی به عنوان موتور توسعه، شناخت و مطالعه دقیق درباره آن است.

بر این اساس در مقاله حاضر نقش زنان به عنوان قشری که به نظر می‌رسد نبات کمتر و شکنندگی بیشتری در بازار نیروی کار استان دارند، بررسی شده است. در این مطالعه، روند تغییرات نرخ فعالیت زنان در سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۱ و عوامل

* کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی و کارشناس مسئول برنامه‌ریزی سازمان تعاون روستایی استان یزد
majeco2003@yahoo.com

مؤثر بر آن تحلیل گردیده و در این باره افزایش نرخ پوشش تحصیلی و تعداد محصلان به عنوان دلیل اصلی کاهش نرخ فعالیت زنان شناخته شده است. پایین بودن نرخ فعالیت زنان شهری و در نتیجه کل زنان، ورود بیشتر و زودتر زنان روستایی به بازار کار در مقایسه با زنان شهری از دیگر نتایج به دست آمده، است. در بخش دیگری از مقاله روند تغییرات نرخ بیکاری زنان طی دوره مذکور و همچنین توزیع نسبی شاغلان زن به تفکیک بخش‌ها و گروه‌های عمده فعالیت مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. اثبات نقش غالب مردان در بازار کار استان، نرخ بیکاری بالاتر زنان شهری در مقایسه با زنان روستایی، تعادل نسبی در توزیع فرصت‌های شغلی بین زنان در مناطق شهری و روستایی، آسیب‌پذیری بیشتر زنان جوان و نوجوان در بازار کار، کاهش نقش صنعت و افزایش سهم بخش خدمات در اشتغال زنان و افزایش سهم بیکاران تحصیل کرده از کل بیکاران زن، از عمده‌ترین نتایج این بخش به شمار می‌رود.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین عوامل بایباتی و پایداری زندگی چه از دیدگاه فردی و چه از دیدگاه اجتماعی، کار و فعالیت مفید و مثمرتر است. چرا که کار در تمامی مکاتب اقتصادی و حتی اعتقادی بهترین و بالاترین ثروت و اندوخته به شمار می‌رود.

متفکر فرانسوی «مونکرتین»^۱ معتقد است، زندگی و کار انسان پیوند ناگسستنی با هم دارند. وی کار و زحمت را طریق سعادت انسان می‌داند. «لمپارد»^۲ وقوع بیکاری را پس از زندگی مشترک موجب از هم گسیختگی و فساد تعداد معناداری از زندگی‌های مشترک زناشویی می‌داند که در غیر این صورت این گسیختگی یا اتفاق نمی‌افتد و یا در زمان دیرتری به وقوع می‌پیوندد (فرجادی، ۱۳۷۸).

آنچه مسلم است اینکه بیکاری دارای هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی فراوانی است. هزینه اقتصادی بیکاری، اتلاف نیروی انسانی بالقوه‌ای است که در صورت اشتغال می‌تواند با کار و

1. A. Montchretien

2. R. Lampard

فعالیت، ضمن سروسامان دادن به زندگی فردی، موجبات افزایش تولید ملی را فراهم نماید. از طرفی از بعد اجتماعی نیز بیکاری باعث افزایش قابل توجه جرم و جنایت و اعتیاد در سطح جامعه می‌گردد. همچنین بیکاری می‌تواند به عنوان بزرگ‌ترین مانع توسعه، مطرح گردد. چرا که وجود بیکاری و عدم شناخت صحیح و درست از دلایل و عوامل آن موجب هدر رفتن شدید منابع شده و انحراف از مسیر اصلی توسعه و یا کندی روند آن را به دنبال خواهد داشت.

بر این اساس می‌توان کار و اشتغال مفید را پایه و اساس توسعه و بالندگی هر جامعه دانست در این جهت، اشتغال کامل و مولد از اصلی‌ترین اهداف هر دولت و نظام سیاسی به شمار می‌آید. بازار نیروی کار به دلیل ماهیت و همچنین وجود انسان به عنوان عنصر اصلی آن در مقایسه با سایر بازارهای اقتصاد از حساسیت دوجندانی برخوردار است. متغیر اساسی بازار کار یعنی انسان، مهم‌ترین و حساس‌ترین عامل در تمامی تئوری (نظریه)های رشد و توسعه به شمار می‌رود. در بازار نیروی کار به‌رغم سایر بازارها که با خرید و فروش و یا معاوضه، عملیات پایان می‌پذیرد و تعاملات به طور نسبی محدود است، به دلیل وجود انسان در هر دو طرف عرضه و تقاضا، به تبادل نیروی انسانی در بازار، تعاملات و تقابل‌ها به طور نامعلوم و نامحدودی ادامه می‌یابد.

از این رو با رشد جمعیت و افزایش مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن، تنها در سایه شناخت دقیق از وضعیت بازار کار و برنامه‌ریزی مناسب است که می‌توان از این نیروی بالقوه نهایت استفاده را نمود.

در میان نیروهای حاضر در بازار کار، قشر زنان به دلیل نقش غیر قابل انکار در خانواده پایگاه اجتماعی خاص به لحاظ تربیت نیروهای بالقوه بازار و تغییر و تحولات روحی و روانی جامعه، از اهمیت خاصی برخوردارند. با وجود اینکه زنان حدود نیمی از جمعیت جامعه را به خود اختصاص می‌دهند اما به نظر می‌رسد به خاطر وجود محدودیت‌های خاص نظیر فرهنگ، اعتقادات حاکم بر جامعه، مسئولیت نگهداری از کودکان، عدم تناسب تعدادی از مشاغل با مسائل روانی و فیزیکی آنها و... نقش کمتری نسبت به مردان در بازار کار داشته و از موقعیت شکننده‌تری نیز برخوردار باشند.

بسیاری از کارشناسان معتقدند که در سالیان اخیر تغییر در ترکیب سنی و جنسی نیروی کار یکی از عوامل اصلی و مهم در افزایش نرخ بیکاری به شمار می‌رود. زنان و جوانان با ورود به بازار کار، قبل از یافتن شغل در زمره بیکاران قرار گرفته و به علاوه تمایل زیادی به عوض کردن شغل خود دارند. از این رو با افزایش نسبت زنان و جوانان در بازار کار و تغییر ترکیب سنی و جنسی بازار، بیکاری از جمله بیکاری اصطلاحی افزایش می‌یابد.

در میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، استان یزد از جمله استان‌هایی است که تغییر و تحولات زیادی در زمینه تغییرات نرخ فعالیت و به ویژه بیکاری داشته است. به طوری که این استان که با نرخ بیکاری ۵/۲ درصد در سال ۱۳۷۵ در زمره استان‌های برتر در زمینه اشتغال قرار داشته، در سال ۱۳۸۲ با نرخ بیکاری ۱۶/۷ درصد، در ردیف چند استان آخر کشور قرار گرفته است.^۱

با توجه به مطالب مذکور، در این مقاله سعی می‌شود تا نقش و سهم نسبی زنان در بازار نیروی کار استان طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۱ مورد بررسی قرار گیرد. بدین ترتیب که ابتدا تغییرات نرخ فعالیت و عوامل مؤثر بر آن بررسی شده، و پس از آن روند تغییرات نرخ بیکاری و توزیع نسبی شاغلان به تفکیک بخش‌های اقتصادی، مناطق شهری و روستایی و گروه‌های عمده فعالیت تحلیل و ارزیابی می‌شود.

این بررسی‌ها ضمن مشخص نمودن نحوه تغییرات نرخ فعالیت و عوامل مؤثر بر آن و همچنین فعالیت‌های تأثیرگذار بر روند تغییرات بیکاری زنان، می‌تواند تصویر واضح و روشنی از تغییر و تحولات بازار کار زنان در اختیار برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران جهت برنامه‌ریزی‌های بهتر در جهت توسعه استان قرار دهد.

۲. مباحث نظری و پیشینه تحقیق

دستیابی به رشد سریع اقتصادی در یک کشور، نیازمند حضور حداکثری نیروهای بالقوه و آماده کار از جمله زنان در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی است. عواملی نظیر سطح سواد و تحصیلات،

نوع نگرش، باورها و اعتقادات جامعه نسبت به کار زنان، سطح درآمدی خانوار، ترکیب سنی جمعیت از جمله عواملی به شمار می‌روند که بازار کار زنان را به شدت تحت تأثیر قرار داده و پیچیدگی آن را در مقابل بازار کار مردان دو چندان می‌سازد.

بر این اساس شناخت و آگاهی از این موضوعات از جنبه‌های نظری و تجربی، بیش از پیش بسیار مناسبی در تجزیه و تحلیل وضعیت زنان در بازار کار به دست خواهد داد. در ادامه، با استفاده از مطالعات صورت پذیرفته داخلی و خارجی به صورت مختصر به این موضوع پرداخته می‌شود.

در مطالعه‌ای که خواجه نوری و حاتمی تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر میزان اشتغال زنان جوان استان‌های غرب انجام داده‌اند، با توجه به نظریه‌های نوسازی و با استفاده از داده‌های کلان جمعیتی استخراج شده از سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۷۵ نشان داده شده که بین میزان اشتغال در بخش‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی با میزان اشتغال زنان در استان‌های مورد مطالعه (کرمانشاه، ایلام، کردستان)، رابطه معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده از مدل رگرسیونی نیز بیانگر آن است که با کنترل تأثیر سایر متغیرها دو متغیر میزان اشتغال در بخش صنعت و میزان تحصیلات زنان ده سال به بالا بر روی هم نزدیک به ۶۵ درصد تغییرات در میزان اشتغال زنان را به خود اختصاص داده‌اند. این دو متغیر با میزان مشارکت زنان دارای رابطه مثبت بوده و با افزایش در دو متغیر میزان اشتغال زنان نیز افزایش می‌یابد (خواجه نوری و حاتمی، ۱۳۸۵).

در مطالعه دیگری که خواجه نوری و همکارانشان بر روی مشارکت اقتصادی زنان روستایی انجام داده، نتیجه گرفته‌اند که رابطه معکوسی بین سطح تحصیلات و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی روستا در بین زنان روستایی وجود دارد. همچنین بین متغیر سن و مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی رابطه مثبتی وجود داشته است. از سوی دیگر، بین سطح تحصیلات و درآمد مرد و مشارکت زنان در فعالیت‌های روستایی رابطه معکوسی وجود داشته است (خواجه نوری و دیگران، ۱۳۸۴).

خواجه نوری در تحقیقی که بر روی میزان اشتغال زنان ۱۵ تا ۴۰ ساله در استان‌های جنوبی کشور انجام داده، نتیجه گرفته است که میزان اشتغال در بخش صنعت، نسبت دانشجویان دختر

به پسر، میزان اشتغال در بخش کشاورزی و نسبت کودکان ۰ تا ۱ ساله به کل جمعیت، روی هم رفته نزدیک به ۷۶ درصد تغییرات میزان اشتغال زنان را تبیین می‌کند (خواجه نوری، ۱۳۸۳).

در بررسی دیگری، بامداد بر این باور است که وضعیت اشتغال زنان در ایران در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه دو ویژگی مهم دارد. زنان فرصت‌های شغلی کمتری دارند و اغلب در بخش غیر رسمی بدون هیچ‌گونه دستمزدی به کار مشغولند و دیگر اینکه نقش زنان ایرانی در بازار کار سنتی به ویژه در مناطق روستایی و فعالیت‌های بخش کشاورزی و صنایع دستی در ارقام و جدول‌های آماری سرشماری‌ها و دیگر طرح‌های آماری، به درستی اندازه‌گیری نشده است (بامداد، ۱۳۷۶).

فلیحی در مقاله‌ای تحت عنوان برآورد الگوهای عرضه نیروی کار و پیش‌بینی مقادیر آن تا پایان برنامه چهارم توسعه، الگوی عرضه نیروی کار مردان و زنان در گروه‌های سنی ۱۰ تا ۱۹، ۲۰ تا ۲۴ و ۲۵ ساله و بیشتر به تفکیک زن و مرد را با روش حداقل مربعات معمولی تخمین زده است. برآوردها نشان داده است که پوشش تحصیلی تأثیر منفی بر عرضه نیروی کار مردان و زنان ۱۰ تا ۲۴ ساله داشته و جمعیت گروه‌های سنی، تولید ناخالص داخلی، تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و شاخص دستمزد واقعی، تأثیر مثبتی بر عرضه نیروی کار دارد. همچنین افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تأثیر مثبت و معناداری در عرضه نیروی کار زنان و مردان ۲۰ ساله و بیشتر دارد. شاخص دستمزد واقعی نیز تأثیر مثبت و معناداری بر عرضه نیروی کار مردان ۱۰ تا ۱۹ ساله و ۲۰ تا ۲۴ ساله داشته ولی تأثیر مثبت و معنادار بر عرضه نیروی کار زنان ندارد (فلیحی، ۱۳۸۲).

به نظر تولایی، موانع مشارکت اجتماعی زنان در سه سطح فردی، خانوادگی و جامعه دسته‌بندی می‌گردد. موانع فردی عبارتند از سطح سواد زن و نگرش به زن؛ موانع خانوادگی عبارتند از تربیت سنتی، شمار فرزند در خانواده، وضعیت اقتصادی خانواده و سطح درآمد؛ موانع جامعه عبارتند از کارکردهای حمایتی، آموزش از راه وسایل ارتباط جمعی، تبعیض موجود در جامعه، ایفای نقش جامعه در نهادینه کردن اوقات فراغت کودکان، نوجوانان و جوانان، چگونگی وضع قوانین، نوع جامعه (تولایی، ۱۳۷۹).

مانگ در مطالعه‌ای که برپایه سرشماری داده‌های نیروی کار ۱۹۷۳-۱۹۸۳ در میانمار انجام داده، بیان می‌کند که با بالا رفتن سطح سواد، سست شدن هنجارهای سنتی و تشویق زنان، میزان مشارکت آنان افزایش می‌یابد (مانگ، ۱۹۹۵).

اسپراک با بررسی نرخ مشارکت زنان و همچنین نرخ باروری در گروه‌های سنی مختلف در کشور انگلستان به این نتیجه می‌رسد که نرخ باروری رابطه‌ای عکس با نرخ مشارکت زنان در بازار کار دارد. نرخ مشارکت نیروی کار زنان تابعی از متوسط درآمد خالص واقعی زنان، متوسط درآمد خالص واقعی مردان، نرخ پست خالی، آموزش، نرخ بهره واقعی، تعداد فرزندان ۱ تا ۵ ساله، تعداد فرزندان ۶ تا ۱۰ ساله و تعداد فرزندان ۱۱ تا ۱۵ ساله است. وی با توجه به اثرهای درآمدی و جانشینی در مورد دستمزدها به این نتیجه می‌رسد که با افزایش متوسط درآمد زنان، نرخ مشارکت افزایش و نرخ باروری کاهش می‌یابد. همچنین وی نتیجه می‌گیرد در دوره‌هایی که دستمزد زنان نسبت به مردان افزایش می‌یابد، نرخ مشارکت افزایش و نرخ باروری کاهش یافته و با افزایش نرخ پست خالی، نرخ مشارکت نیروی کار افزایش می‌یابد. از طرف دیگر با افزایش تعداد فرزندان در سنین مختلف، نرخ مشارکت نیروی کار کاهش می‌یابد (اسپراک، ۱۹۸۸).

بریسکو و ویلسون در مقاله‌ای تحت عنوان «پیش‌بینی نرخ‌های فعالیت اقتصادی» به بررسی وضعیت نرخ‌های مشارکت نیروی کار به تفکیک مردان و زنان و گروه‌های سنی در کشور انگلستان می‌پردازند. در این مطالعه الگوی نرخ مشارکت مردان در نه گروه سنی و الگوی نرخ مشارکت نیروی کار زنان در هشت گروه سنی ارائه می‌گردد. این الگوها در کوتاه‌مدت و بلندمدت برآورد شده و با یکدیگر مقایسه شده‌اند. براساس این مطالعه نرخ مشارکت تابعی از شاخص دستمزد واقعی، تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری و سایر متغیرها (عمدتاً جمعیتی) است. نکته مهم در این الگو آن است که تولید ناخالص داخلی در الگوهای مشارکت زنان مثبت و معنادار است ولی در الگوی مشارکت مردان، ضریب این متغیر دارای علامت یکسانی نیست. این متغیر، علاوه بر نشان دادن اثرهای جانشینی و درآمدی (در مورد کار یا فراغت) نشان‌دهنده درآمدهای غیرکاری و سایر عوامل اقتصادی و اجتماعی است که روی نرخ مشارکت نیروی کار زنان و مردان تأثیرگذار است. آنها همچنین نتیجه می‌گیرند که با افزایش سهم شاغلان غیر از صنعت کارخانهای، نرخ مشارکت زنان کاهش می‌یابد (بریسکو و ویلسون، ۱۹۹۲).

۳. بررسی تغییر و تحولات بازار کار زنان در استان یزد

با توجه به مطالب بررسی شده در قسمت مبانی نظری و پیشینه تحقیق، در این بخش از مطالعه با استفاده از آمار و اطلاعات برگرفته از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ و نیز اطلاعات آمارگیری از اشتغال و بیکاری خانوار و نیز سایر اسناد موجود، سعی می‌گردد تا تغییر و تحولات بازار کار زنان در استان یزد طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۱ مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.

۳-۱. بررسی روند تغییرات نرخ فعالیت

بر اساس آمار و اطلاعات جدول ۱، جمعیت استان یزد از ۳۴۲۲۰۹ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۸۹۱۱۳۷ نفر در سال ۱۳۸۱ رسیده که از نرخ رشد متوسط سالانه ۲/۶۹ درصد برخوردار است. در همین مدت جمعیت زنان استان با متوسط نرخ رشد سالیانه ۲/۷۰ درصد از ۱۶۵۸۱۶ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۴۳۳۰۰۷ نفر در سال ۱۳۸۱ رسیده است.

جدول ۱. تغییرات جمعیتی زنان استان یزد طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۱

(نفر - درصد)

جمعیت زنان		کل جمعیت استان			
میزان رشد نسبت به مقطع قبل	متوسط نرخ رشد سالیانه طی دوره	میزان	میزان رشد نسبت به مقطع قبلی	متوسط نرخ رشد سالیانه طی دوره	میزان
-		۱۶۵۸۱۶	-		۳۴۲۲۰۹
۲,۲		۲۰۶۹۲۱	۲,۲		۴۲۹۶۶۶
۲,۲		۳۱۰۰۲۸	۴,۵		۶۶۸۹۱۲
۲,۷	۲,۷۰	۳۵۴۵۷۳	۲,۲	۲,۶۹	۷۴۴۷۳۷
۲,۱		۳۹۲۲۸۳	۱,۷		۸۱۰۴۰۱
۱,۶		۴۳۳۰۰۷	۱,۶		۸۹۱۱۳۷

مأخذ: نتایج تحقیق پرمبانی اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵؛ طرح جاری جمعیت سال ۱۳۷۰؛ سالنامه آماری سال ۱۳۸۱ استان یزد.
تذکر: جمعیت بر اساس محدوده‌های سیاسی سال ۱۳۸۱ بازسازی شده است.

بیشترین تغییرات جمعیتی زنان مربوط به دوره ده ساله ۱۳۵۵-۱۳۶۵ با متوسط رشد ۴/۲ درصد و کمترین تغییرات با متوسط رشد ۱/۶ درصد مربوط به دوره شش ساله ۱۳۷۵-۱۳۸۱ است. نرخ رشد جمعیت زنان همگام با کل جمعیت طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۸۱ مرتباً کاهش یافته است. اما تغییرات جمعیتی در مقاطع مختلف، بسته به دوران ورود جمعیت به بازار کار تغییرات جمعیت فعال را به دنبال خواهد داشت.

بررسی روند تغییرات نرخ فعالیت زنان در استان نشان می‌دهد که میزان فعالیت زنان در انتهای دوره نسبت به ابتدای دوره کاهش یافته است (جدول ۲). به جز سال ۱۳۶۵ که در آن مقطع نرخ فعالیت زنان (شاید به دلیل جو فرهنگی حاکم در اوایل انقلاب، تغییر نگرش به کار زنان در بیرون از خانه، افزایش نرخ باروری و ...) به شدت کاهش یافته، در سایر مقاطع پس از انقلاب نرخ فعالیت زنان کاهش یافته است.

جدول ۲. تغییرات جمعیت ده ساله و بیشتر زنان استان یزد و ترکیب آن در مقایسه با کل استان طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۱

(نفر - درصد)

سال	۱۳۴۵		۱۳۵۰		۱۳۶۵		۱۳۷۰		۱۳۷۵		۱۳۸۱	
	کل استان	زنان	کل استان	زنان	کل استان	زنان	کل استان	زنان	کل استان	کل استان	زنان	
جمعیت ده ساله و بیشتر	۱۹۲۸۵	۹۸۸۸	۲۳۸۷۰	۱۲۵۸۸۵	۳۸۲۱۵	۱۸۲۸۱	۲۸۲۳۵	۲۲۸۲۰	۵۷۹۰۱۲	۲۸۰۶۵۸	۷۷۲۱۷	
جمعیت فعال	۱۵۵۲۲	۷۵۴۴	۱۲۳۸۱	۶۶۸۶۲	۱۶۲۵۰۰	۷۱۷۰۱	۲۰۶۱۲۶	۷۱۲۶۲	۲۲۶۱۲۸	۴۶۲۵۵	۲۹۲۵۶	
جمعیت غیرفعال	۱۷۷۶۸	۷۳۴۴	۱۲۳۸۹	۸۹۰۲۲	۲۱۹۶۵	۱۱۱۱۰	۱۷۶۲۲	۱۵۶۵۰	۳۵۲۸۴	۲۱۸۱۰	۴۸۱۸۵	
نرخ فعالیت	۳۶	۲۵،۸	۲۹	۲۹،۳	۴۲،۸	۱۱،۸	۴۲،۸	۱۱،۸	۳۹،۱	۱۶،۵	۳۷،۶	
نرخ بیکاری	۱،۷	۰،۷	۱،۹	۰،۷	۸،۶	۱۰،۳	۴،۲	۲،۲	۵،۲	۲،۲	۱۲،۲	
نسبت جمعیت غیرفعال به فعال	۱،۲	۲،۹	۱،۲	۲،۳	۱،۳	۷،۵	۱،۳	۲،۵	۱،۵۳	۵	۱،۶۲	

مأخذ: نتایج تحقیق بر مبنای اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵؛ طرح چار جمعیت سال ۱۳۷۰؛ سالنامه آماری سال ۱۳۸۱ استان یزد.

نکته قابل توجه آنکه نرخ فعالیت زنان در تمامی دوره‌ها از نرخ فعالیت کل به میزان قابل توجهی کمتر بوده است. این امر می‌تواند نقش غالب‌تر مردان در بازار نیروی کار را مورد تأیید و تأکید قرار دهد.

به نظر می‌رسد، نرخ پایین فعالیت زنان در مناطق شهری باعث گردیده تا نرخ کلی فعالیت زنان پایین باشد. هر چند بین حجم جمعیت زنان در مناطق شهری و روستایی تفاوت بسیاری وجود دارد، با مقایسه نسبت‌های جمعیت فعال زنان شهری و روستایی به کل جمعیت فعال زنان استان و همچنین نسبت جمعیت زنان ده ساله و بیشتر این مناطق به کل جمعیت زنان ده ساله و بیشتر استان، می‌توان چگونگی توازن بین این نسبت‌ها را بررسی نمود (فرجادی، ۱۳۷۵).

جدول ۳. نسبت‌های جمعیت زنان ده ساله و بیشتر شهری و روستایی به کل این جمعیت، جمعیت فعال زنان شهری و روستایی به کل جمعیت فعال زنان در

استان یزد طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۱

(درصد)

مناطق روستایی		مناطق شهری		
نسبت جمعیت فعال زنان روستایی به کل جمعیت فعال زنان استان	نسبت جمعیت ده ساله و بیشتر زنان روستایی به جمعیت ده ساله و بیشتر زنان استان	نسبت جمعیت فعال زنان شهری به کل جمعیت فعال زنان استان	نسبت جمعیت ده ساله و بیشتر زنان شهری به کل جمعیت ده ساله و بیشتر زنان استان	
۵۷,۳	۵۴,۷	۴۲,۷	۳۵,۳	۱۳۴۵
۵۷,۲	۳۸,۸	۴۲,۹	۶۱,۲	۱۳۵۵
۴۳,۱	۳۳,۶	۵۶,۲	۶۶,۳	۱۳۶۵
۴۹,۷	۲۲,۳	۵۰,۳	۶۷,۷	۱۳۷۰
۴۳,۵	۲۵,۱	۵۶,۶	۷۴,۹	۱۳۷۵
۳۵,۹	۲۵,۸	۶۴	۷۲,۲	۱۳۸۱

مأخذ: نتایج تحقیق بر مبنای اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵؛ طرح جاری جمعیت سال ۱۳۷۰؛ آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار سال ۱۳۸۱.

نسبت‌های به دست آمده در جدول ۳ نشان می‌دهد که نسبت جمعیت فعال زنان شهری به کل جمعیت فعال زنان در مقایسه با نسبت جمعیت زنان ده ساله و بیشتر شهری به کل جمعیت

زنان ده ساله و بیشتر، به مقدار چشمگیری کمتر بوده و در مقابل برای زنان مناطق روستایی به میزان قابل توجهی بیشتر است. این نتایج بیانگر ورود بیشتر زنان روستایی و ورود کمتر زنان شهری به بازار کار است. از این رو، پایین بودن نرخ فعالیت زنان در مناطق شهری استان از جمله موضوعات اصلی در پایین بودن سطح کلی فعالیت زنان محسوب می‌شود. از دیگر نتایج قابل توجه در این بحث کاهش نسبت‌های جدول برای مناطق روستایی و افزایش آن برای مناطق شهری طی دوره است که نشان‌دهنده مهاجرت زنان (به تبع کل جمعیت) از مناطق روستایی به مناطق شهری است.

آنچه حائز اهمیت است اینکه عواملی همچون تغییرات نرخ باروری، سهم گروه‌های سنی از کل جمعیت، گسترش آموزش به ویژه آموزش عالی در بین زنان و در نتیجه افزایش سطح تحصیلات، نیاز به کار و فعالیت زنان به دلیل افزایش هزینه‌های زندگی، توجه بیشتر به نقش زنان و تلاش در جهت کاهش تبعیض بین مردان و زنان بر اساس آرمان‌های جامعه و ...، همگی موجب تغییرات میزان فعالیت زنان به ویژه در مقاطع مختلف سنی، می‌گردد.

مقایسه نرخ فعالیت زنان در مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد که در تمامی مقاطع سنی، نرخ فعالیت زنان روستایی بیش از نرخ فعالیت زنان شهری است. این امر نیز می‌تواند به دلیل ورود بیشتر زنان روستایی به بازار کار باشد. مقایسه روند تغییرات نسبت جمعیت زنان خانه‌دار از کل جمعیت زنان ده ساله و بیشتر به تفکیک مناطق شهری و روستایی و همچنین سهم هر یک از مناطق از کل جمعیت خانه‌دار دلیل قاطعی در تأیید ورود بیشتر زنان روستایی در مقایسه با زنان شهری به بازار کار است (در این مورد به اطلاعات موجود در جدول ۵ مراجعه شود).

همچنین از آمار و اطلاعات جدول ۴ پیداست که بیشترین تغییرات نرخ فعالیت به تفکیک گروه‌های سنی در بخش شهری و روستایی، مربوط به گروه سنی ۱۰-۱۹ و ۲۰-۲۴ سال و کمترین تغییرات مربوط به گروه سنی ۲۵-۶۴ سال است. در مناطق شهری در هر دو گروه سنی ۱۰-۱۹ و ۲۰-۲۴ سال نرخ فعالیت کاهش یافته و در مناطق روستایی تنها در گروه سنی ۱۰-۱۹ سال کاهش یافته است. این تغییرات با توجه به افزایش پوشش تحصیلی، توجه بیشتر به فراغت

کودکان، نوجوانان و جوانان (به ویژه در شهرها)، حضور پایدارتر افراد میانسال در بازار کار به دلیل عهده‌داری و یا کمک به امرار معاش خانواده امری مثبت و طبیعی شمرده می‌شود. اما افزایش نرخ فعالیت زنان ۲۰-۲۴ ساله روستایی را می‌توان به دلایل پوشش کمتر تحصیلی در روستاها به ویژه در مقاطع تحصیلی بالاتر، فرهنگ و اعتقادات روستاییان و نگرش خاص آنان به کار و فعالیت زنان و همچنین نیاز بیشتر به کار زنان در روستا، دانست. بالاترین میزان مشارکت در گروه‌های سنی نیز مربوط به دو گروه سنی ۱۰-۱۹ و ۲۰-۲۴ است.

جدول ۴. نرخ فعالیت زنان استان یزد به تفکیک گروه‌های سنی و مناطق

شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۱

(درصد)

نرخ فعالیت زنان روستایی					نرخ فعالیت زنان شهری				
کل زنان شهری	۱۹-۱۰ ساله	۲۴-۲۰ ساله	۶۴-۲۵ ساله	۶۵ ساله و بیشتر	کل زنان روستایی	۱۹-۱۰ ساله	۲۴-۲۰ ساله	۶۴-۲۵ ساله	۶۵ ساله و بیشتر
۱۳۴۵	۲۳٫۲	۲۷٫۸	۲۲٫۶	۱۸٫۲	۱۲٫۶	۲۶٫۷	۲۹	۱۸٫۱	۱۰
۱۳۵۵	۲۰٫۵	۲۹٫۶	۲۹٫۱	۱۴٫۲	۸٫۴	۶۷٫۲	۵۴٫۶	۳۹٫۱	۱۵٫۷
۱۳۶۵	۱۰٫۱	۱۰٫۵	۱۴٫۶	۹٫۲	۳٫۹	۲۶٫۴	۱۹٫۴	۸	۲٫۲
۱۳۷۰	۱۳٫۵	۸٫۲	۲۱٫۳	۱۶٫۱	۴٫۶	۳۴٫۹	۳۸٫۳	۲۲٫۷	۱۱٫۵
۱۳۷۵	۱۲٫۴	۵٫۵	۱۹٫۵	۱۷٫۶	۲٫۶	۲۷٫۶	۴۸٫۵	۲۸٫۸	۸٫۹
۱۳۸۱	۱۰٫۴	-	-	-	۱۶٫۹	-	-	-	-

مأخذ: پیشین

نکته مهم دیگر اینکه در دو مقطع سنی ۱۰-۱۹ و ۲۰-۲۴ سال، میزان مشارکت زنان روستایی با اختلاف قابل توجهی از میزان مشارکت زنان شهری بالاتر است که بیانگر و مؤید ورود زودتر زنان روستایی به بازار کار است. این مهم به دلیل پوشش تحصیلی کمتر در مناطق روستایی، نیاز بیشتر روستاییان به ورود زودتر زنان به بازار کار و ...، موجه و منطقی به نظر می‌رسد.

۳-۲. بررسی روند تغییرات جمعیت غیرفعال

همان‌طور که قبلاً نیز بررسی گردید نرخ فعالیت زنان در انتهای دوره نسبت به ابتدای دوره کاهش یافته است. برای بررسی دلایل این کاهش قابل توجه، در این قسمت تغییرات بخش‌های تشکیل‌دهنده جمعیت غیرفعال (به عنوان عوامل مؤثر بر نرخ فعالیت) را تحلیل می‌کنیم.

جدول ۵. ساختار جمعیت غیرفعال (از نظر اقتصادی) زنان استان یزد به تفکیک

مناطق شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۱

(نفر)

درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر زنان	تعداد	درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر زنان	تعداد	خانه‌دار		محصّل		کل		
				درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر زنان	تعداد	درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر زنان	تعداد	درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر زنان	تعداد	
۰.۵	۵۳۶	۶.۸	۶۷.۱	۶.۰۹	۶۰۲۱۲	۶.۰	۵۹۰۵	۷۴.۲	۷۳۳۵۲	۱۳۴۵
۱.۱	۱۳۳۵	۵.۸	۷۳۳۶	۵۲.۰	۶۵۲۲۰	۱۱.۸	۱۲۸۲۲	۷۰.۷	۸۹۰۳۳	۱۳۵۵
۳.۱	۵۷۷۹	۱.۰	۱۹۰۶	۶۸.۱	۱۳۵۱۹۱	۱۴.۹	۳۳۰۰۰	۸۷.۱	۱۶۰۱۷۶	۱۳۶۵
۳.۷	۶۱۰۲	۰.۳	۴۱۳	۵۶.۵	۱۲۹۰۳۰	۲۱.۳	۲۸۱۱۳	۸۰.۸	۱۸۲۵۵۰	۱۳۷۰
۱.۳	۳۶۲۱	۲.۰	۵۶۲۲	۵۰.۳	۱۴۱۱۵۳	۲۹.۰	۸۱۴۵۲	۸۲.۶	۲۳۱۸۶۰	۱۳۷۵
۰.۸	-	۳.۲	-	۵۳.۲	-	۳۰.۱	-	۸۷.۸	-	۱۳۸۱
۰.۷	۳۱۴	۷.۲	۳۳۱۶	۵۷.۸	۲۵۸۷۷	۱.۸	۴۳۸۳	۷۵.۷	۳۳۸۹۰	۱۳۲۵
۱.۲	۸۹۸	۵.۹	۲۵۲۳	۵۶.۹	۴۳۸۲۶	۱۵.۵	۱۱۹۶۲	۷۹.۵	۶۱۴۴۱	۱۳۵۵
۲.۵	۳۰۵۳	۰.۸	۹۷۸	۶۹.۰	۸۲۴۶۱	۱۶.۵	۲۰۱۶۷	۸۸.۸	۱۰۸۴۵۹	۱۳۶۵
۲.۴	۳۷۱۷	۰.۲	۲۳۹	۵۸.۶	۹۰۷۱۴	۲۳.۱	۳۷۳۰۹	۸۵.۳	۱۳۱۹۱۹	۱۳۷۰
۱.۲	۲۵۰۶	۱.۴	۲۸۵۱	۵۲.۸	۱۱۱۰۶۵	۲۱.۳	۶۵۷۴۹	۸۶.۷	۱۸۲۱۷۱	۱۳۷۵
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۳۸۱
۰.۲	۲۲۲	۶.۳	۳۲۸۵	۶۳.۵	۳۳۳۳۵	۲.۸	۱۵۲۲	۷۳	۳۹۴۶۲	۱۳۲۵
۱.۱	۵۳۷	۵.۷	۲۸۰۳	۴۴.۲	۲۱۵۸۴	۵.۹	۲۸۵۸	۵۶.۹	۲۷۷۸۲	۱۳۵۵
۴.۲	۲۷۲۶	۱.۵	۹۲۸	۶۶.۳	۴۰۹۳۰	۱۱.۶	۷۱۳۳	۸۳.۸	۵۱۷۱۷	۱۳۶۵
۳.۲	۲۳۸۵	۰.۲	۱۷۲	۵۲.۰	۳۸۳۱۵	۱۵.۹	۱۱۶۸۴	۷۱.۳	۵۲۵۵۶	۱۳۷۰
۱.۶	۱۱۱۵	۴.۰	۲۷۸۳	۴۲.۷	۳۰۰۸۸	۲۲.۳	۱۵۷۰۳	۷۰.۵	۲۹۶۸۹	۱۳۷۵
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۳۸۱

مأخذ: پیشین

توضیح: اختلاف سرجمع جمعیت فعال و غیرفعال با جمعیت ده ساله و بیشتر به خاطر وجود جمعیتی است که وضعیتشان اظهار نشده است.

بررسی ساختار جمعیت غیرفعال اقتصادی زنان در استان نشان می‌دهد که نسبت جمعیت مذکور به کل جمعیت ده ساله و بیشتر زنان طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵ (سال‌های قبل از انقلاب) کاهش و پس از انقلاب افزایش یافته است (در سال ۱۳۶۵ از افزایش چشمگیری برخوردار بوده است). این نسبت در بین زنان شهری در هر دو مقطع افزایشی و در بین زنان روستایی در هر دو مقطع کاهش یافته است. با توجه به این اطلاعات (جدول ۵) مشخص می‌شود که در سال‌های قبل از انقلاب به دلیل سهم بالاتر زنان روستایی از کل جمعیت زنان و نیز حضور فعال‌تر آنها در بازار کار، تغییرات نرخ فعالیت کل زنان با نرخ فعالیت زنان روستایی همسو و در سال‌های پس از آن به دلیل مهاجرت‌های صورت گرفته و افزایش سهم جمعیت زنان شهری این جهت در پی تغییرات نرخ فعالیت زنان شهری بوده است.

در میان بخش‌های جمعیت غیرفعال زنان، جمعیت محصل بیشترین درصد تغییرات را در سال‌های مذکور داشته است. به طوری که سهم محصلان از جمعیت ده ساله و بیشتر زنان از ۶ درصد در سال ۱۳۴۵ به بیش از $30/1$ درصد در سال ۱۳۸۱ رسیده است. به عبارتی سهم محصلان طی این سال‌ها دارای نرخ رشد متوسط سالانه $4/6$ درصد است. از این رو هرچند سهم محصلان از کل جمعیت غیرفعال پس از جمعیت خانه‌دار در جایگاه دوم قرار دارد، می‌توان یکی از دلایل اصلی کاهش نرخ مشارکت زنان را افزایش نرخ پوشش تحصیلی و افزایش سهم محصلان دانست. روند افزایشی نرخ باسوادی زنان در مقاطع مختلف سنی (جدول ۶) مؤید این مطلب است. عموماً دوره‌های تحصیلی، ورود جمعیت به بازار کار را به تأخیر می‌اندازد. به هر حال ورود هر چند با وقفه این جمعیت به بازار کار، بر پیچیدگی‌های این بازار افزوده و فرصت‌های شغلی خاص خود را طلب می‌نماید.

جدول ۶. نرخ باسوادی زنان استان یزد به تفکیک رده‌های سنی طی سال‌های

۱۳۷۵-۱۳۵۵

(درصد)

۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	کل زنان
۶۸	۶۱٫۶	۴۱٫۰	۹-۶ ساله
۹۲٫۵	۹۳٫۹	۸۰٫۸	۱۰-۱۴ ساله
۹۷٫۶	۹۴٫۶	۷۵٫۹	۱۵-۲۵ ساله
۷۸٫۶	۵۱٫۶	۲۸٫۲	۲۵ ساله و بالاتر
۸۱	۵۵	۶٫۱	

منابع: نتایج تحقیق بر مبنای اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵.

عمده‌ترین بخش در جمعیت غیرفعال زنان، جمعیت خانه‌دار به حساب می‌آید سهم این بخش از حدود ۶۱ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۵۳/۴ درصد در سال ۱۳۸۱ رسیده است. بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که سهم این بخش از کل جمعیت ده ساله و بیشتر در هر دو مقطع قبل و بعد از انقلاب کاهش داشته است که با توجه به مواردی که پیشتر ذکر گردید نظیر کاهش نرخ باروری^۱ (جدول ۷)، افزایش هزینه‌های زندگی و نیاز به کار زنان، توجه بیشتر به حقوق زنان در سطح جامعه و ... امری مسلم و بدیهی است.

جدول ۷. نرخ باروری و بار تکفل در استان یزد طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۷۵

مناطق روستایی		مناطق شهری		کل استان		
نرخ باروری عمومی	بار تکفل خالص	نرخ باروری عمومی	بار تکفل خالص	نرخ باروری عمومی	بار تکفل خالص	
-	۱،۹	-	۲،۱	۱۶۳،۲	۲	۱۳۴۵
۱۶۰،۲	۱،۵	۱۲۵،۲	۲،۳	۱۵۱	۲	۱۳۵۵
۱۷۳،۶	۲،۶	۱۵۷،۲	۳	۱۶۳،۶	۲،۹	۱۳۶۵
۱۲۳،۵	۲	۱۱۰،۱	۲،۸	۱۱۴،۲	۲،۵	۱۳۷۰
۷۱،۵	۱،۹	۶۸،۹	۲،۸	۶۹،۵	۲،۵	۱۳۷۵

مأخذ: نتایج تحقیق پرمبنای اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵؛ طرح جاری جمعیت سال ۱۳۷۰.

مبحث مهم دیگری که باعث کاهش سهم زنان خانه‌دار از کل جمعیت ده ساله و بالاتر شده است، می‌توان در سهم رده‌های مختلف سنی از کل جمعیت جست‌وجو کرد. بر اساس اطلاعات جدول ۸ و نیز نمودار، سهم رده‌های سنی بالای ۱۵ سال به عنوان جمعیت واقعی آماده به کار، طی سال‌های مورد نظر مرتباً افزایش یافته که این موضوع از یک‌سو باعث حضور بالاتر مادرانی در بازار کار می‌شود که قبل از آن بیشتر در خانه به امور فرزندان مشغول بوده‌اند (کاهش سهم جمعیت زیر چهار ساله از کل جمعیت می‌تواند مؤید همین موضوع باشد). از طرفی خود این

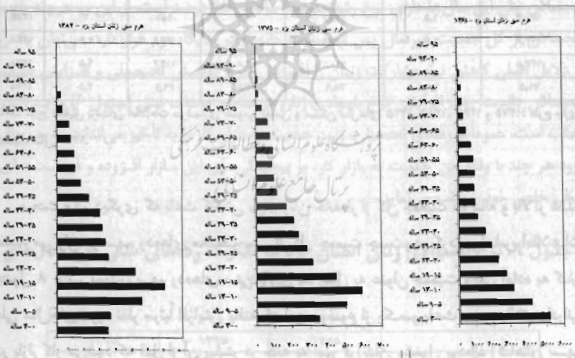
۱. نرخ باروری عمومی عبارت است از نسبت متولدان در یک سال به کل جمعیت زنان ۱۵-۳۹ سال ضرب‌بدر ۱۰۰۰.

جمعیت نیز یا به گروه جویندگان کار می‌پیوندند و یا به تحصیلات مشغول شده، و در سال‌های بعد وارد بازار کار می‌شوند. افزایش نرخ فعالیت زنان در رده سنی ۲۵-۶۴ سال را می‌توان در همین باره ارزیابی نمود.

جدول ۸. سهم جمعیت زنان زیر ۱۵ سال از کل جمعیت زنان استان یزد طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۲

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۲
سهم جمعیت زنان زیر ۱۵ سال از کل جمعیت زنان	۲۳	۲۱٫۵	۲۵٫۱	۳۶٫۱	۲۷٫۳
سهم جمعیت ۰-۲۰ ساله از کل جمعیت استان	۱۵٫۸	۱۵٫۵	۱۸٫۵	۹٫۲	۷٫۱

مأخذ: نتایج تحقیق بومی‌های اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۲؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد.



مأخذ: مرکز آمار، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد

نمودار هرم سنی زنان استان یزد طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۶۵

بخش‌های دارای درآمد بدون کار و سایر در مقایسه با دو بخش قبلی، سهم اندکی از کل جمعیت ده ساله و بیشتر را به خود اختصاص داده‌اند. به دلیل آنکه در سرشماری‌ها برای بخش دارای درآمد بدون کار همگنی وجود ندارد و آمارهای این بخش در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۷۰ به ترتیب مربوط به افراد «لاز کار افتاده» و «بازنشسته» است، بنابراین بررسی روند آن چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. اما آنچه مسلم است اینکه بعد از انقلاب سهم افراد دارای درآمد بدون کار (شاید به دلیل افزایش تعداد بازنشستگان و مستمری‌بگیران) افزایش یافته و از این رو، می‌توان آن را به عنوان یکی از عوامل کاهش نرخ مشارکت به شمار آورد. جمعیت سایر نیز به دلیل یکسان نبودن تعاریف در مقاطع مختلف از نوساناتی برخوردار است، اما به نظر می‌رسد سهم این بخش از جمعیت غیرفعال زنان به دلایلی از جمله بهبود وضعیت آمارگیری در کشور، پس از انقلاب کاهش یافته است.

همان‌طور که از آمار و اطلاعات جدول ۷ مشخص است، بار تکفل^۱ در استان در دوران پس از انقلاب اندکی کاهش یافته، ولی مقدار آن از مقطع قبل از انقلاب بیشتر است. بار تکفل در روستاها در هر دو مقطع قبل و بعد از انقلاب کاهش یافته و در شهرها قبل از انقلاب افزایش یافته و پس از آن کاهش یافته است. هرچند تغییرات بار تکفل و نرخ فعالیت زنان به دلیل نقش غالب‌تر مردان در بحث اشتغال و عهده‌داری بار اصلی امرار معاش خانواده از طرف آنها، چندان همسو و یکنواخت نیست، با مقایسه این تغییرات به ویژه در مناطق روستایی مشخص می‌شود که جهت تغییرات آنها در جهت عکس یکدیگر است. به عبارتی، در مواقعی که نرخ فعالیت افزایش یافته بار تکفل پایین‌تر بوده است و برعکس.

۳-۳. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری

این مطالعه نشان می‌دهد که طی سال‌های مورد بررسی، بیکاری زنان استان با نرخ رشد متوسط سالیانه ۱۰/۶ درصد از ۰/۷ درصد در ابتدای دوره به ۲۶/۴ درصد در انتهای دوره رسیده است. در

۱. بار تکفل خالص یعنی تعداد افرادی که هر نفر شاغل به غیر از خودش باید بار معیشت آنها را به دوش بکشد.

همین مدت نرخ بیکاری کل استان به طور متوسط سالیانه ۶/۱ درصد رشد کرده است. این در حالی است که به جز سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۸۱ در بقیه دوره، نرخ بیکاری زنان کمتر از نرخ بیکاری استان بوده است.

هرچند طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۱، مسئله اشتغال و بیکاری از دیدگاه افراد و به طور کلی نحوه نگرش آنها به کار تغییرات زیادی نموده، در مجموع تغییر و تحولات زیاد بازار کار و رشد فراوان بیکاری در استان به ویژه در میان زنان، بیانگر آسیب‌پذیری قابل توجه افراد در بازار کار است. همچنین از آمار و اطلاعات موجود مشخص می‌گردد که تغییرات نرخ بیکاری زنان، تغییرات چشمگیری بر روی نرخ بیکاری کل داشته است. زیرا در حالی که سهم زنان از تعداد شاغلان استان از حدود ۲۵ درصد در سال ۱۳۷۷ به حدود ۱۵ درصد در سال ۱۳۸۲ کاهش یافته، در مقابل سهم آنها از بیکاران استان از حدود ۱۱ درصد در سال ۱۳۷۷ به حدود ۳۹ درصد در سال ۱۳۸۲ رسیده است.

مقایسه نرخ بیکاری زنان با مردان نیز بیانگر چنین وضعیتی است، چرا که طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ به غیر از سال ۱۳۶۵، عموماً نرخ بیکاری زنان کمتر از نرخ بیکاری مردان بوده اما از سال ۱۳۷۵ به بعد، نرخ بیکاری زنان با اختلاف قابل ملاحظه‌ای از مردان پیشی گرفته است (جدول ۹).

جدول ۹. نرخ بیکاری زنان استان یزد در مقایسه با نرخ بیکاری کل استان طی

سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۱

(درصد)

	زنان			مردان	کل استان (مرد و زن)	
	زنان روستایی	زنان شهری	کل زنان			
۱۳۴۵	۰.۷	۰.۸	۰.۷	۲.۱	۱.۷	
۱۳۵۵	۰.۲	۱.۳	۰.۷	۲.۵	۱.۹	
۱۳۶۵	۶	۱۳.۸	۱۰.۴	۸.۱	۸.۶	
۱۳۷۰	۲.۳	۶.۵	۲.۴	۲.۴	۲.۴	
۱۳۷۵	۳.۵	۵	۴.۴	۵.۵	۵.۲	
۱۳۸۱	۱۸.۴	۳۰.۶	۲۶.۲	۱۲	۱۲.۲	

ماخذ: نتایج تحقیق بر مبنای اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵؛ طرح جاری

جمعیت سال ۱۳۷۰؛ آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار سال ۱۳۸۱.

تفکیک نرخ بیکاری زنان به گروه‌های عمده سنی بیانگر این مهم است که چه در کل و چه در مناطق شهری و روستایی، رده‌های سنی ۱۰-۱۹، ۲۰-۲۴ و ۶۵ ساله و بیشتر ضمن داشتن بیشترین نرخ بیکاری، از بالاترین نوسانات نیز برخوردار هستند که این موارد می‌تواند از یک طرف بیان‌کننده آسیب‌پذیری و شکنندگی بیشتر قشر نوجوان و جوان در بازار کار بوده و از طرف دیگر نشان‌دهنده نقش آنان در تورم بازار کار باشد. چرا که زنان جوان پس از پایان تحصیلات و حضور در بازار کار باعث افزایش نرخ بیکاری به ویژه بیکاری اصطکاکی (به دلیل نپذیرفتن هرگونه شغل و همچنین عوض نمودن راحت‌تر آن) می‌شوند.

جدول ۱۰. نرخ بیکاری زنان استان یزد به تفکیک گروه‌های سنی و مناطق شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۴۵ - ۱۳۸۱

(درصد)

۶۵ ساله و بیشتر	زنان روستایی			زنان شهری				کل زنان				
	۶۴-۲۵ ساله	۲۴-۲۰ ساله	۱۹-۱۰ ساله	۶۵ ساله و بیشتر	۶۴-۲۵ ساله	۲۴-۲۰ ساله	۱۹-۱۰ ساله	۶۵ ساله و بیشتر	۶۴-۲۵ ساله	۲۴-۲۰ ساله	۱۹-۱۰ ساله	
۰	۰٫۲	۰٫۲	۱٫۲	۰٫۲	۰٫۲	۱٫۱	۱٫۲	۰٫۱	۰٫۲	۰٫۶	۱٫۲	۱۳۳۵
۰٫۲	۰٫۱	۰٫۴	۰٫۲	۱	۰٫۵	۲٫۲	۱٫۵	۰٫۶	۰٫۴	۱٫۲	۰٫۸	۱۳۵۵
۱۲٫۵	۲٫۱	۲٫۵	۷٫۳	۳۳٫۶	۲٫۲	۱۲٫۷	۲۶	۱۶	۲٫۴	۹٫۳	۱۵٫۲	۱۳۶۵
۱۷٫۴	۱٫۱	۱٫۶	۲٫۷	۲۸٫۵	۱٫۸	۷٫۱	۱۷٫۳	۱۸٫۲	۱٫۵	۲٫۸	۷٫۲	۱۳۷۰
۳٫۱	۱٫۱	۴٫۵	۶٫۱	۹٫۱	۱٫۲	۸٫۲	۱۲٫۲	۵٫۲	۱٫۵	۶٫۵	۹٫۲	۱۳۷۵

مأخذ: یشتین

آمار و اطلاعات جدول ۱۱ نیز نشان می‌دهد که بیشترین سهم گروه‌های مختلف سنی از کل زنان بیکار به ترتیب مربوط به گروه‌های سنی ۱۰-۱۹، ۲۰-۲۴، ۲۵-۶۴ و ۶۵ ساله و بیشتر است. به عبارتی هرچند با کاهش نرخ فعالیت در رده‌های سنی ۱۰-۱۹ و ۲۰-۲۴ ساله، از سهم بیکاران این دو رده سنی به ویژه رده ۱۰-۱۹ سال کاسته شده، سهم قابل توجه آنها از کل بیکاران مؤید این مطلب درباره نقش خاص نوجوانان و جوانان در بازار کار است.

جدول ۱۱. سهم بیکاری گروه‌های سنی از کل بیکاران زن استان یزد طی

سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۷۵

(نفر- درصد)

کل بیکاران زن		۱۹-۲۰ ساله		۲۰-۲۴ ساله		۲۵-۲۹ ساله		۶۵ ساله و بیشتر	
میزان	درصد از کل بیکاران استان	میزان	درصد از کل بیکاران زن استان	میزان	درصد از کل بیکاران زن استان	میزان	درصد از کل بیکاران زن استان	میزان	درصد از کل بیکاران زن استان
۱۳۴۵	۱۸۷	۱۱۳	۸۱٫۸	۱۴	۷٫۵	۱۹	۱۰٫۲	۱	۰٫۵
۱۳۵۵	۲۵۰	۱۳۲	۵۲٫۸	۶۸	۲۷٫۲	۳۳	۱۳٫۲	۶	۲٫۴
۱۳۶۵	۲۲۶۲	۱۶۶	۷٫۳	۳۲۲	۱۴٫۲	۳۳۲	۱۴٫۱	۱۲۲	۵٫۵
۱۳۷۰	۱۸۳۷	۲۰۳	۱۱٫۱	۳۵۱	۱۹٫۲	۳۱۷	۱۶٫۳	۱۷۹	۹٫۸
۱۳۷۵	۲۰۱۸	۱۷۱	۸٫۵	۵۱۲	۲۵٫۳	۳۶۸	۱۸٫۲	۵۳	۲٫۶

مأخذ: پیشین

نکته حائز اهمیت دیگر این قسمت به سطح سواد بیکاران زن مربوط است. مطابق اطلاعات جدول ۱۲، در طول زمان از سهم بیکاران بی‌سواد کاسته و بر سهم بیکاران باسواد افزوده شده است. مهم آنکه در سال ۱۳۷۵ (و قاعدتاً پس از آن)، بیکاران دارای تحصیلات عالی نیز از سهم قابل توجهی برخوردار گردیده‌اند.

جدول ۱۲. سهم مقاطع مختلف تحصیلی از بیکاران زن استان یزد طی سال‌های

۱۳۴۵-۱۳۷۵

(درصد)

بی‌سواد	ابتدایی تا دیپلم	فوق دیپلم و بالاتر
۱۳۴۵	۷۲٫۲	۰
۱۳۵۵	۲۴٫۶	۲٫۸
۱۳۶۵	۲۲٫۱	۱٫۸
۱۳۷۵	۹٫۲	۹٫۵

مأخذ: نتایج تحقیق پرمبنای اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵.

۳-۴. بررسی روند تغییرات اشتغال و ترکیب آن

آمار و اطلاعات جدول ۱۳ نشان می‌دهد که نسبت شاغلان زن به کل شاغلان استان در دو مقطع قبل و بعد از انقلاب (تا سال ۱۳۷۵) سیر صعودی داشته، اما به طور کلی طی دوره مذکور این نسبت کاهش یافته است. این روند کاهشی در مورد سهم شاغلان زن از کل شاغلان بخش‌های صنعت و خدمات نیز مصداق دارد. نکته مهم آنکه زنان تنها در بخش صنعت، سهم قابل توجهی از کل شاغلان را به خود اختصاص داده‌اند و این موضوع بار دیگر نقش مسلط‌تر مردان در بازار کار استان و همچنین شکنندگی موقعیت شغلی زنان را مورد تأکید قرار می‌دهد.

جدول ۱۳. نسبت شاغلان زن استان یزد به کل شاغلان استان و به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۷۵

(درصد)

نسبت شاغلان زن از کل شاغلان استان	نسبت شاغلان زن از شاغلان بخش صنعت	نسبت شاغلان زن از شاغلان بخش کشاورزی	نسبت شاغلان زن از شاغلان بخش خدمات	
۲۶٫۹	۲۳٫۲	۸٫۲	۱۲٫۵	۱۳۲۵
۳۰٫۵	۳۴٫۱	۱۶٫۹	۱۲٫۱	۱۳۵۵
۱۳٫۱	۱۸٫۱	۳٫۸	۱۰٫۲	۱۳۶۵
۲۰٫۶	۳۱٫۵	۷٫۲	۱۳٫۲	۱۳۷۵
۱۳٫۲	-	-	-	۱۳۸۱

مأخذ: نتایج تحقیق بر مبنای اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۲۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵؛ آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خوار سال ۱۳۸۱.

بررسی توزیع نسبی اشتغال زنان استان به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی (جدول ۱۴) بیانگر این واقعیت است که به‌رغم اینکه بخش صنعت بیشترین سهم را در اشتغال زنان داراست، طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۱ به میزان قابل توجهی از نقش آن کاسته شده و در عوض سهم بخش خدمات از روند فزاینده‌ای برخوردار بوده است. همچنین بخش کشاورزی که در ابتدای دوره بعد از بخش صنعت، نقش عمده‌ای در اشتغال زنان داشته در انتهای دوره کمترین سهم را به خود اختصاص داده است.

جدول ۱۴. توزیع نسبی اشتغال زنان استان یزد به تفکیک بخش‌های عمده

اقتصادی و مناطق شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۷۵

(نفر)

	۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۱	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل زنان استان	۲۰۲۲۸	۸۰	۲۹۹۳۹	۷۶٫۲	۱۱۱۳۲۵	۵۷٫۹	۳۹۸۷۷	۶۷٫۵	-	۵۷٫۸
	۳۷۶۰	۱۰٫۹	۵۱۶۱	۱۳٫۵	۱۰۰۹	۵٫۲	۳۲۵۵	۵٫۱	-	۳٫۶
	۲۰۸۸	۸٫۳	۳۳۲۶	۹٫۱	۶۰۹۳	۳٫۴	۱۱۴۰۲	۲۵٫۸	-	۳۸٫۱
	۸۹۰۰	۸۴٫۵	۱۱۳۲۰	۷۹٫۶	۳۳۲۲	۲۰٫۹	۱۳۷۰۲	۵۵٫۱	-	۲۲
شهری	۹۲	۰٫۹	۲۸۸	۰٫۸	۱۲۰	۰٫۶	۳۲۲	۱٫۳	-	۰٫۳
	۱۶۶۹	۱۵٫۵	۲۳۶۷	۱۷٫۸	۵۲۱۷	۵۱٫۱	۱۰۳۵۶	۲۶٫۷	-	۵۱٫۳
	۱۱۳۲۸	۷۸٫۲	۱۵۵۴۹	۷۳٫۸	۶۹۲۳	۷۸٫۴	۱۶۱۷۳	۸۳٫۳	-	۸۲٫۵
روستایی	۲۶۶۶	۱۸٫۲	۲۸۳۲	۲۳٫۲	۸۸۹	۸٫۹	۱۲۲۱	۹٫۹	-	۵٫۸
	۲۱۹	۲٫۱	۵۳۹	۲٫۶	۴۶۶	۷٫۷	۱۰۳۷	۵٫۴	-	۹٫۳
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

مأخذ: نتایج تحقیق پرمبنای اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵؛ آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار سال ۱۳۸۱.

در مناطق شهری، به طور مرتب از سهم بخش صنعت در اشتغال زنان کاسته شده و تقریباً با همین شدت و در جهت عکس بر سهم بخش خدمات افزوده شده است. در مناطق روستایی سهم بخش صنعت افزایشی و سهم بخش کشاورزی کاهش یافته است. هرچند به دلایل مختلف از جمله کاهش قابل توجه فعالیت‌های باقی و فعالیت‌های مرتبط با آن، افزایش سطح تحصیلات زنان و تمایل آنها به ورود در بخش خدمات به ویژه مشاغل دولتی، کمبود اشتغال پایدار و مطمئن در بخش کشاورزی به دلیل وجود اقلیم خشک و کمبود بارندگی و نوسانات آن و ... روند تغییرات توزیع نسبی شاغلان در بخش‌های مختلف قابل توجیه است، در این قسمت سعی می‌شود با ارائه آمار و اطلاعات به تحلیل دقیق‌تر آن پرداخته شود.

همان‌طور که از اطلاعات جدول‌های ۱۵ و ۱۶ پیداست در تمامی مقاطع، صنعت ساخت (صنایع کارگاهی و کارخانه‌ای) بیش از ۹۹ درصد شاغلان زن بخش صنعت را به خود اختصاص داده است. بررسی ماهیت این فعالیت آشکار می‌سازد که زیربخش‌های تولید منسوجات و پوشاک که صنایع قالی‌بافی، گلیم بافی و ... را در بر دارد، همواره بالاترین سهم اشتغال را داشته‌اند. نکته قابل توجه آنکه قسمت اعظم شاغلان این بخش‌ها را کارکنان مستقل، مزد و حقوق‌بگیران

بخش خصوصی و یا کارکنان خانوادگی بدون مزد تشکیل می‌دهند. حال با توجه به مهاجرت عده قابل توجهی از زنان روستایی به شهرها و کاهش نسبت جمعیت زنان روستایی در مقابل زنان شهرنشین و همچنین تمایل کمتر زنان شهری به فعالیت قالی‌بافی، به‌رغم افزایش نقش بخش صنعت در اشتغال زنان مناطق روستایی، در مجموع سهم این بخش در اشتغال زنان استان کاهش یافته است (جدول ۱۷، اطلاعات مناسبی در این مورد به دست می‌دهد).

جدول ۱۵. توزیع نسبی شاغلان زن به تفکیک گروه‌های عمده فعالیت استان یزد طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۱

(نفر- درصد)

1375		1365		1355		
سهم از کل	تعداد	سهم از کل	تعداد	سهم از کل	تعداد	
100	44230	100	19618	100	36612	
5.1	2254	5.2	1014	14.1	5161	کشاورزی، شکار، جنگلداری، ماهیگیری
0.1	28	0.2	30	0.2	79	استخراج سایر معادن
0.0	4	0.0	0	0.0	0	تولید نفت خام و گاز طبیعی
2.4	1063	0.8	152	0.2	73	ساخت محصولات غذایی، نوشیدنی‌ها و...
63.5	28108	55.4	10867	75.4	27614	صنایع نساجی، پوشاک، چرم و پوست
0.0	16	0.2	31	0.3	115	صنایع چوب و ساخت محصولات چوبی
0.0	15	0.1	14	0.0	1	ساخت کاغذ و محصولات کاغذی چاپ و نشر
0.2	75	0.0	6	0.0	10	ساخت محصولات شیمیایی، نفتی و ...
0.3	125	0.1	14	0.0	9	ساخت محصولات کانی غیرفلزی
0.1	33	0.0	1	0.0	3	صنایع تولید فلزات اساسی
0.3	129	0.2	34	0.0	2	ساخت ماشین‌آلات ابزار و محصولات فلزی
0.1	31	0.1	25	0.0	1	دیگر صنایع
0.1	52	0.0	7	0.0	5	برق و آب و گاز
0.4	192	0.8	155	0.1	37	ساختمان
0.6	270	0.5	92	0.2	61	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی
0.1	27	0.1	20	0.0	2	هتل، مهمانخانه، کافه و رستوران
0.2	104	0.2	40	0.1	22	حمل و نقل انبارداری
0.1	34	0.0	6	0.0	4	ارتباطات و مخابرات
0.2	100	0.1	20	0.0	11	مؤسسات مالی
0.0	8	0.0	1	0.0	2	بیمه
0.2	83	0.1	14	0.0	0	خدمات ملکی و تجاری
2.6	1163	2.8	557	0.4	133	اداره امور عمومی و دفاعی
21.7	9594	27.3	5346	8.5	3111	سایر خدمات اجتماعی و شخصی
1.6	702	6.0	1172	0.4	156	فعالیت‌های نامشخص

ساخته پیشین.

جدول ۱۶. توزیع نسبی شاغلان زن به تفکیک گروه‌های عمده فعالیت در

بخش‌های عمده اقتصادی استان یزد طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۱

(نفر-درصد)

بخش خدمات		بخش کشاورزی		بخش صنعت		
خدمات عمومی و اجتماعی و شخصی (شامل اداره امور عمومی و دفاع، آموزش، بهداشت، خدمات اجتماعی و شخصی و...)		کشاورزی، شکار و جنگلداری		صنعت ساخت		
درصد از بخش	تعداد	درصد از بخش	تعداد	درصد از بخش	تعداد	
۹۶٫۳	۲۰۱۱	۱۰۰	۳۷۶۰	۹۹٫۸	۲۰۱۸۳	۱۳۴۵
۹۷	۳۳۳۲	۱۰۰	۵۱۶۱	۹۹٫۶	۲۷۵۲۸	۱۳۵۵
۹۶٫۸	۵۹۰۱	۱۰۰	۱۰۰۹	۹۸٫۴	۱۱۰۶۵	۱۳۶۵
۹۲٫۳	۱۰۷۵۷	۹۹٫۹	۲۲۵۴	۹۹	۲۸۵۱۵	۱۳۷۵
۸۹٫۶	-	۹۹٫۸	-	۹۹	-	۱۳۸۱

مأخذ: پیشین.

جدول ۱۷. سهم زیربخش‌های نساجی، خدمات اجتماعی و ادارا امور عمومی از

کل اشتغال مردان و زنان استان یزد طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۷۵

(درصد)

۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵			
۷٫۹	۸	۱۲٫۱	مردان		
۶۳٫۵	۵۵٫۴	۷۵٫۴	کل	زنان	صنایع نساجی، پوشاک و چرم
۲۸٫۶	۳۷٫۲	۷۸٫۲	شهری		
۸۲٫۷	۷۶٫۶	۷۳٫۳	روستایی		
۸٫۱	۷٫۴	۲٫۹	مردان		
۲۰٫۳	۲۵٫۹	۶٫۷	کل	زنان	خدمات اجتماعی (آموزش و بهداشت)
۳۲٫۹	۴۲	۱۳٫۴	شهری		
۲	۵٫۵	۱٫۷	روستایی		
۱۰٫۶	۱۳٫۱	۳٫۶	مردان		
۲٫۶	۲٫۸	-۰٫۲	کل	زنان	اداره امور عمومی
۲٫۲	۳٫۲	-۰٫۷	شهری		
۰٫۶	۱٫۱	-۰٫۱	روستایی		

مأخذ: نتایج تحقیق بر مبنای اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵.

در بخش خدمات نیز گروه عمده فعالیت خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی شامل اداره

امور عمومی و دفاع، آموزش، بهداشت، خدمات اجتماعی و شخصی و ... همواره دارای بیشترین

تعداد شاغلان زن در این بخش بوده است. بررسی دقیق تر مشخص می نماید که اکثریت این دسته از شاغلان را مزد و حقوق بگیران بخش دولتی به ویژه در فعالیت های خدمات اجتماعی (آموزشی و بهداشتی) تشکیل می دهند. از آنجایی که عمده مشاغل بخش عمومی و دولت در شهرها قرار دارد، بنابراین، طبیعی به نظر می رسد که بخش خدمات طی زمان به مهم ترین عامل در اشتغال شهری تبدیل گردد.

این تحلیل زمانی تکمیل می گردد که بدانیم بخش صنعت به ویژه فعالیت صنعت ساخت بیشترین سطح تغییرات و میزان افزایش در بیکاران قبلاً شاغل را داراست (جدول ۱۸). به عبارتی بیشترین درصد بیکاران قبلاً شاغل طی دوره ۱۳۴۵-۱۳۷۵ مربوط به صنعت ساخت است.

جدول ۱۸. توزیع بیکاران قبلاً شاغل زن در بخش های عمده اقتصادی استان یزد طی سال های ۱۳۴۵-۱۳۸۱

(درصد)

۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	
۱۵	-	۱۲٫۹	۲٫۶	کشاورزی
۶۶٫۸	-	۳۳٫۳	۶٫۳	صنعت
۶۴٫۹	-	۳۰٫۶	۶٫۳	صنعت ساخت
۲۹	-	-	۲٫۶	خدمات

ماخذ: نتایج تحقیق بر مبنای اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال های

۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵.

توزیع نسبی شاغلان زن استان برحسب وضعیت شغلی طی سال های مورد مطالعه نیز نشان می دهد که در این مدت از سهم بخش خصوصی در اشتغال زنان به میزان قابل توجهی کاسته شده و در مقابل سهم مزد و حقوق بگیران بخش عمومی با شدت بیشتری افزایش یافته است (جدول ۱۹). این موارد با توجه به ساختار بخش عمومی و سیاست های کوچک سازی دولت

می‌تواند بازار کار زنان را در سال‌های آینده با چالش‌های اساسی مواجه سازد. همچنین کاهش سهم کارکنان خانوادگی بدون مزد از کل شاغلان زن به ویژه طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۱، ضمن آنکه می‌تواند سبب خروج بازار کار از حالت معیشتی و سنتی گردد، در صورت فراهم نبودن زمینه فعالیت‌های مناسب و جایگزین، التهابات بیشتر بازار کار را به دنبال خواهد داشت. وضعیت مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی نیز نگران‌کننده به نظر می‌رسد، زیرا کاهش قابل ملاحظه سهم آنها از کل شاغلان، بیانگر این موضوع است که نه تنها کارکنان بدون مزد به این جمع نپیوسته‌اند، بلکه بخشی از خود آنها نیز از جرگه بخش خصوصی جدا گشته‌اند. کارکنان مستقل و کارفرمایان تنها توانسته‌اند، بخش کوچکی از دو بخش قبلی را در خود جای دهند.

جدول ۱۹. توزیع نسبی شاغلان زن استان یزد برحسب وضعیت شغلی طی

سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۱

(درصد)

بخش عمومی (حقوق‌بگیران بخش عمومی)	بخش خصوصی				کل	
	کارفرمایان	کارکنان مستقل	مزد و حقوق‌بگیران	کارکنان خانوادگی بدون مزد		
۱,۷	۰,۲	۱۸,۲	۶۱,۹	۱۷,۲	۹۷,۹	۱۳۵
۶,۸	۰,۲	۱۹,۹	۲۶,۶	۴۵,۹	۹۲,۸	۱۳۵
۲۸,۳	۱,۳	۳۱,۱	۶,۹	۲۱,۴	۶۰,۷	۱۳۵
۲۳,۴	۰,۵	۲۷,۶	۱۰,۶	۳۲,۲	۷۳,۱	۱۳۵
۲۹,۱	۱,۵	۲۳,۵	۱۱,۳	۳۳,۵	۷۰,۹	۱۳۱

مأخذ: نتایج تحقیق بر مبنای اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵؛ طرح جاری جمعیت سال ۱۳۷۰؛ آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار سال ۱۳۸۱.

نکته قابل توجه دیگری که در اینجا مطرح می‌شود، این است که به نظر می‌رسد فرصت‌های شغلی برای زنان در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری متعادل باشد، زیرا همان‌طور که از اطلاعات جدول ۲۰ پیداست، مقایسه نسبت شاغلان زن روستایی به کل شاغلان زن استان و نسبت شاغلان زن شهری به کل شاغلان زن استان با نسبت جمعیت فعال این مناطق به کل جمعیت فعال زنان استان حکایت از متعادل بودن آنها دارد. به عبارتی همراه با کاهش نسبت

جمعیت فعال زنان روستایی به کل جمعیت فعال زنان استان، نسبت شاغلان زن روستایی به کل شاغلان زن استان نیز کاهش پیدا کرده، و بر عکس آن، این نسبتها در مناطق شهری افزایش یافته است.

جدول ۲۰. نسبت‌های جمعیت فعال زنان شهری و روستایی به کل جمعیت فعال زنان، شاغلان و بیکاران زن شهری و روستایی به کل شاغلان و بیکاران زن در استان یزد طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۱

(درصد)

بخش روستایی			بخش شهری			
نسبت شاغلان زن روستایی به کل شاغلان زن استان	نسبت بیکاران زن روستایی به کل بیکاران زن استان	نسبت جمعیت فعال زنان استان به کل جمعیت فعال زنان شهری	نسبت شاغلان زن شهری به کل شاغلان زن استان	نسبت بیکاران زن شهری به کل بیکاران زن استان	نسبت جمعیت فعال زنان شهری به کل جمعیت فعال زنان استان	
۵۷,۳	۵۲,۴	۵۷,۳	۲۲,۷	۲۷,۶	۲۲,۷	۱۳۴۵
۵۷,۲	۲۰	۵۷,۲	۲۲,۶	۸۰	۲۲,۸	۱۳۵۵
۲۵,۵	۲۵	۳۳,۱	۵۲,۵	۷۵	۵۶,۴	۱۳۶۵
۵۰,۸	۲۵,۲	۴۹,۷	۲۹,۱	۷۴,۶	۵۰,۳	۱۳۷۰
۳۳,۸	۳۲,۳	۳۳,۵	۵۶,۲	۶۴,۷	۵۶,۶	۱۳۷۵
۳۹,۶	۲۵,۲	۳۵,۹	۶۰,۱	۷۴,۷	۶۴	۱۳۸۱

ماخذ: پیشین.

مطلب دیگر آنکه، مقایسه نسبت بیکاران زن مناطق شهری و روستایی به کل بیکاران زن استان با نسبت جمعیت فعال آنها به کل جمعیت فعال زنان استان بیانگر فزونی نرخ بیکاری زنان شهری در مقایسه با زنان روستایی است. زیرا همواره نسبت بیکاران زن شهری به کل بیکاران زن از نسبت نرخ فعالیت زنان شهری به کل نرخ فعالیت زنان بیشتر بوده و این مورد از مقایسه نرخ‌های بیکاری زنان شهری و روستایی نیز مشخص می‌شود.

۴. جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

با توجه به نقش و اهمیت انسان در توسعه، هم به عنوان هدف و هم به عنوان ابزار، لزوم استفاده بهینه از آن ضروری به نظر می‌رسد. زیرا در صورت عدم استفاده مناسب از آن در جهت منافع جامعه، همین ثروت فوق‌العاده می‌تواند به تهدیدی جدی برای جامعه و اهداف آن تلقی گردد.

توانمندی‌های فوق‌العاده انسانی همان‌طور که می‌تواند موجبات پیشرفت و ترقی جامعه‌ای را فراهم نماید، در صورت بی‌توجهی می‌تواند جامعه را با بحران مواجه سازد. از این رو و با توجه به افزایش جمعیت و بالطبع بروز مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن، تنها با مطالعه‌ای دقیق و مدیریت حساب شده امکان به کارگیری انسان به عنوان موتور توسعه و کاهش آثار منفی ناشی از افزایش جمعیت وجود دارد.

در این مقاله همان‌طور که ملاحظه شد، سعی بر آن بود تا نقش زنان در بازار نیروی کار استان یزد از منظر تغییرات نرخ فعالیت و بیکاری مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بر این اساس می‌توان خلاصه یافته‌ها و نتایج حاصل را به صورت زیر بیان نمود:

۱. نرخ رشد جمعیت زنان در استان طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۱ با نرخ رشد کل جمعیت استان برابر بوده ولی نرخ رشد میزان فعالیت آنها (۲/۱-) به مراتب از نرخ رشد فعالیت کل (۸/۱-) کمتر است.
۲. نرخ فعالیت زنان شهری در مقاطع سنی ۱۰-۱۹ و ۲۰-۲۴ سال، به دلیل گسترش نرخ پوشش تحصیلی و افزایش تعداد محصلان، به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. ولی در مناطق روستایی به دلیل پوشش تحصیلی کمتر تنها مقطع سنی ۱۰-۱۹ سال دارای کاهش نرخ فعالیت بوده است.
۳. کاهش نرخ باروری، افزایش هزینه‌های زندگی و نیاز به کار زنان و ... باعث افزایش نرخ فعالیت زنان شهری در گروه سنی ۲۵-۶۴ سال و زنان روستایی در گروه‌های سنی ۲۰-۲۴ و ۲۵-۶۴ سال شده است.
۴. مقایسه نسبت جمعیت فعال زنان شهری و روستایی به کل جمعیت فعال زنان با نسبت جمعیت زنان ده ساله و بیشتر این مناطق به کل جمعیت زنان ده ساله و بیشتر، نشان‌دهنده ورود بیشتر زنان روستایی نسبت به زنان شهری به بازار کار است.

۵. پایین بودن نرخ فعالیت زنان در مناطق شهری استان با توجه به حجم بالای جمعیتی آنها از جمله موضوعات اصلی در پایین بودن سطح کلی فعالیت زنان محسوب می‌گردد.
۶. مقایسه روند تغییرات نرخ فعالیت و بیکاری و سهم شاغلان زن از بخش‌های عمده اقتصادی بیانگر نقش غالب‌تر مردان و شکنندگی بیشتر زنان در بازار کار استان بوده ضمن آنکه تغییرات نرخ بیکاری زنان، تغییرات چشمگیری بر روی نرخ بیکاری کل داشته است.
۷. بیشترین نرخ بیکاری و همچنین بالاترین میزان تغییرات آن، مربوط به گروه‌های سنی ۱۹-۱۰ و ۲۰-۲۴ سال است که آسیب‌پذیری بیشتر زنان جوان و نوجوان و همچنین نقش عمده آنان در التهابات بازار کار را بیان می‌کند.
۸. در طول زمان از سهم بیکاران زن بی‌سواد کاسته و بر سهم بیکاران باسواد افزوده شده است. مهم آنکه در سال ۱۳۷۵ و پس از آن، بیکاران دارای تحصیلات عالی نیز از سهم قابل توجهی برخوردار گردیده‌اند.
۹. وجود ارتباط معکوس بین روند تغییرات نرخ بیکاری و نرخ فعالیت زنان در اکثر دوره‌ها، چه در کل، چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی، می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد که با بهبود اوضاع اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری و احتمال یافتن کار، نرخ مشارکت افزایش یافته و برعکس در مواقع نابسامانی اوضاع و امید کمتر به یافتن شغل، نرخ مشارکت کاهش می‌یابد. این وضعیت تأثیر بسزایی در شکنندگی نرخ بیکاری و نوسانات بازار کار خواهد داشت.
۱۰. در مجموع و در هر سه بخش عمده اقتصادی طی سال‌های مورد مطالعه از نسبت شاغلان زن کاسته شده ولی از مقطع ۱۳۶۵ به بعد این نسبت در کل و بخش‌های مذکور افزایش داشته است.
۱۱. زیربخش‌های تولید منسوجات و پوشاک شامل گلیم بافی، قالی‌بافی و... از گروه عمده صنعت ساخت بیشترین نقش را در اشتغال زنان به ویژه زنان روستایی داراست. عمده شاغلان بخش‌های مذکور را مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی، کارکنان مستقل و کارکنان خانوادگی بدون مزد تشکیل می‌دهند.

۱۲. زیر بخش خدمات اجتماعی شامل آموزش و بهداشت، بیشترین سهم را در اشتغال زنان شهری به خود اختصاص داده است. عمده شاغلان این بخش را حقوق‌بگیران بخش دولتی تشکیل می‌دهند.
۱۳. به دلیل مهاجرت روستاییان به شهرها و کاهش نسبت جمعیت آنها و همچنین اشتغال کمتر زنان شهری به فعالیت قالی‌بافی و افزایش تمایل آنها به مشاغل دولتی، در مجموع از نقش بخش صنعت در اشتغال زنان کاسته و بر سهم بخش خدمات افزوده شده است.
۱۴. با مقایسه نسبت شاغلان زن روستایی و شهری به کل شاغلان زن با نسبت جمعیت فعال زن این مناطق به کل جمعیت زنان، مشخص می‌شود که نسبت متعادلی بین فرصت‌های شغلی زنان در مناطق شهری و روستایی برقرار است.
۱۵. بیشترین بیکاران قبلاً شاغل طی دوره مورد مطالعه مربوط به گروه فعالیت صنعت ساخت است.
۱۶. با توجه به کاهش سهم بخش خصوصی و افزایش سهم بخش عمومی در اشتغال زنان و همچنین سیاست‌های حاکم در بخش عمومی، بازار کار زنان می‌تواند به معضل بزرگ‌تری در آینده تبدیل گردد.
- در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده، به عنوان راهبرد کلی پیشنهاد می‌شود که:
۱. مسئله بهبود اشتغال و کاهش بیکاری باید سرلوحه و مقصود تمام برنامه‌ریزی‌های توسعه قرار گیرد. زیرا هر گونه برنامه‌ریزی بدون توجه به این مسئله نه تنها کارایی چندانی نداشته بلکه در خیلی از موارد با شکست روبه‌رو می‌شود و نتایج مطمئنی را نیز در برنخواهد داشت.
 ۲. با فرهنگ‌سازی و تجدید نظر اساسی در نحوه تعامل و برخورد با صنایع دستی و خانگی از جمله فعالیت‌های قالی‌بافی و زمینه‌های مرتبط، همچون گذشته یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های فعالیت زنان و همچنین مهم‌ترین منبع ایجاد فرصت‌های شغلی خصوصی و غیردولتی برای آنها احیا گردد.
 ۳. زمینه‌های حضور جدی‌تر بخش خصوصی در فعالیت‌های مختلف به ویژه خدمات به عنوان یکی از مهم‌ترین گزینه‌های جذب زنان، مورد بررسی و توجه قرار گیرد.

۴. سعی گردد اعطای تسهیلات اشتغالزایی و به طور کلی سیاست‌های توسعه اشتغال به نحوی باشد تا فرصت‌های شغلی به وجود آمده متناسب با وضعیت و نیاز جویندگان کار بوده تا

ضمن کاهش فشار روزافزون بیکاری به ویژه در میان زنان، بتوان به ثبات بیشتری در بازار کار دست یافت.

۵. سعی گردد آموزش زنان در سطوح مختلف، با روحیات و توانایی‌های آنها و مقتضیات بازار کار تناسب و هماهنگی بیشتری داشته باشد.



۶. سیاست‌های اشتغالزایی در بخش خدمات، به ویژه در بخش خدمات بانکی و بیمه، به گونه‌ای طراحی شود که بتواند اشتغالزایی را در این بخش‌ها افزایش دهد. همچنین، سیاست‌های اشتغالزایی در بخش خدمات بازرگانی و خدماتی، به گونه‌ای طراحی شود که بتواند اشتغالزایی را در این بخش‌ها افزایش دهد.

۷. سیاست‌های اشتغالزایی در بخش خدمات، به ویژه در بخش خدمات بانکی و بیمه، به گونه‌ای طراحی شود که بتواند اشتغالزایی را در این بخش‌ها افزایش دهد. همچنین، سیاست‌های اشتغالزایی در بخش خدمات بازرگانی و خدماتی، به گونه‌ای طراحی شود که بتواند اشتغالزایی را در این بخش‌ها افزایش دهد.

۸. سیاست‌های اشتغالزایی در بخش خدمات، به ویژه در بخش خدمات بانکی و بیمه، به گونه‌ای طراحی شود که بتواند اشتغالزایی را در این بخش‌ها افزایش دهد. همچنین، سیاست‌های اشتغالزایی در بخش خدمات بازرگانی و خدماتی، به گونه‌ای طراحی شود که بتواند اشتغالزایی را در این بخش‌ها افزایش دهد.

۹. سیاست‌های اشتغالزایی در بخش خدمات، به ویژه در بخش خدمات بانکی و بیمه، به گونه‌ای طراحی شود که بتواند اشتغالزایی را در این بخش‌ها افزایش دهد. همچنین، سیاست‌های اشتغالزایی در بخش خدمات بازرگانی و خدماتی، به گونه‌ای طراحی شود که بتواند اشتغالزایی را در این بخش‌ها افزایش دهد.

۱۰. سیاست‌های اشتغالزایی در بخش خدمات، به ویژه در بخش خدمات بانکی و بیمه، به گونه‌ای طراحی شود که بتواند اشتغالزایی را در این بخش‌ها افزایش دهد. همچنین، سیاست‌های اشتغالزایی در بخش خدمات بازرگانی و خدماتی، به گونه‌ای طراحی شود که بتواند اشتغالزایی را در این بخش‌ها افزایش دهد.

منابع

الف) فارسی

- بامداد، شیدا (۱۳۷۶). ساختار اشتغال زنان در آئینه آمارهای ملی، تهران: روزنامه سلام، سال هفتم، شماره ۱۹۱۱، سه‌شنبه ۹ دی سال ۱۳۷۶.
- تولایی، نسرين (۱۳۷۹). «بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان»، مجموعه مقالات کارگاه آموزشی توسعه مشارکت زنان / برگزارکنندگان دانشگاه علامه طباطبائی، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- خواجه نوری، بیژن (۱۳۸۳). «بررسی عوامل مؤثر بر میزان اشتغال زنان جوان (۱۵-۴۰)»، مطالعه موردی: استان‌های جنوب ایران (فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان)، مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، اردیبهشت ۱۳۸۳، دانشگاه شیراز، انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- خواجه نوری، بیژن؛ عبدالعلی لهسایی‌زاده و جهانگیر جهانگیری (۱۳۸۴). «بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی، مطالعه موردی استان فارس»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳.
- خواجه نوری، بیژن و علی حاتمی (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر میزان اشتغال زنان جوان استان‌های غرب (http://sociologyofiran.com).
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد، سالنامه آماری استان یزد سال ۱۳۸۱.
- فاضلی، حسین (۱۳۸۴). مطالعه وضعیت بازار کار استان یزد و شناسایی علل افزایش نرخ بیکاری آن، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد.
- فرجادی، غلامعلی (۱۳۷۸). مطالعات آماده‌سازی تدوین برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (جلد سوم) نیروی انسانی، بازار کار و اشتغال. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- فلیحی، نعمت (۱۳۸۲). برآورد عرضه نیروی کار در برنامه چهارم توسعه، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی و مدیریت.

مرکز آمار ایران، آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار سال ۱۳۸۱.

مرکز آمار ایران، طرح جاری جمعیت سال ۱۳۷۰.

مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن استان یزد سال‌های مختلف.

نصیریان، محمدمهدی (۱۳۷۴). سیمای جمعیتی استان یزد، یزد، سازمان برنامه و بودجه استان یزد.

نویسنده: جناب آقای م. حاجسون

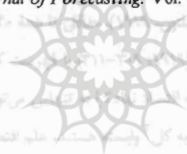
دکتر محمود متوسلی

(ب) انگلیسی

Maung, I. M. (1995). "Female Labor participation in Myanmar." *Sign*, Vol. 28, No. 3.

Spargue, A. (1988). "Post war Fertility and Female Labour Force Participation Rates". *Economic Journal*. Vol. 98.

Brisco, G. and R. Wilson (1992). "Forecasting Economic Activity – Reles". *International Journal of Forecasting*. Vol. 8.



موی واکون هیلتون مطرح شد (میتسویی) در سال ۱۹۹۰، نهادگرا، بر اقتصاد آمریکا تسلط داشت و اکنون هم‌اکنون در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ میلادی از ویژگی‌های شناخته شده این مکتب، مدعی شد که اقتصاد آمریکا از طریق نشان دادن آینده چگونه اجزای سیستم اقتصادی به کل وابسته هستند. علم اقتصاد را متحد سازد اقتصاد نهادگرا برحسب یک موضوع نهادگرا، نگاه و روش‌های و نظام‌های اقتصادی در جهان است که اقتصاد در جایگاهی نیست که تخصصی بر معانی و روش‌های اقتصادی با وجود این، جایگاه اقتصاد به عنوان یک نظریه این بود که در حلقه می‌شد تا آن به عنوان معیاری برای استفاده کرد به عنوان هیلتون (۱۹۹۶، ۳۱۴-۳۱۸). اقتصاددانان نهادگرا دریافته بودند که:

* استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

** دانشجوی دوره دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، دکتری نشان معیاری بودجه‌ریزی و اعتبار